

زبان بلوچی، توانش، زایایی

اسماعیل نرماشیری

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد سیستان و بلوچستان

چکیده

زبان بلوچی مانند زبان فارسی یکی از زبان‌های وندی و ترکیبی است و همین خصیصهٔ زبانی موجب شده تا روند گسترش‌پذیری در این زبان به راحتی صورت گیرد.

تحول همیشگی زبان و جامعهٔ بلوچ، که در شرایط اقلیمی ویژه‌ای قرار دارد، باعث شده تا این زبان از خلاقه‌ها و جنبه‌های زایایی، که گسترش‌پذیری یکی از ویژگی‌های آن است، برخوردار گردد.

امروز سخنگویان بلوچ اعم از تحصیل‌کرده و تحصیل‌نکرده، از راه‌های گوناگون برای تفهیم مطالب موردنظرشان از این ترکیب‌ها استفاده می‌کنند. اگر به درستی در این زبان نگریسته شود، ابعاد گسترش‌پذیری حد بسیار وسیعی دارد که این مطلب ضمن بیان نکات زبان‌شناسی، از نظر جامعه‌شناختی نیز قابل تأمل است.

کلیدواژه‌ها: زبان بلوچی، هویت، تأثیرپذیری، توانش، زایایی.

مقدمه

انسان موجودی است اجتماعی، و اجتماعی بودن وجه برجسته او نسبت به سایر موجودات است، و البته همین ویژگی وی را بر آن داشته تا زبان - که یکی از ضرورت‌های زندگی اجتماعی است - را پدید آورد، هر چند که به روشنی نمی‌توانیم «بگوییم که زبان در چه زمانی پیدا شده، نخستین زبان کدام بوده است و دقیقاً علل تغییرات زبانی کدامند». (صفوی ۱۳۷۶: ۹)

به هر حال، چون زبان امری انسانی و اجتماعی است، «طبیعتاً صورت ثابت و واحدی ندارد و به تبع اجتماعی و همراه با نیازهای جامعه دائماً در حال تغییر است. هر زبانی در هر دوره‌ای از تاریخ دارای اختصاصاتی است که با دوره‌های قبلی متفاوت است». (باقری ۱۳۷۹: ۴۷)

پس زبان یک پدیده هویتی و ارزشی است، تا جایی که بسیاری عقیده دارند فروپاشی تمدن بابل تنها به دلیل فراموشی زبان بوده است. از این رو قوم‌ها و ملت‌ها همواره در روند تاریخ کوشیده‌اند تا با کنکاش و پژوهش‌هایی، زبان و داشته‌های زبانی خود را تا حد ممکن به دیگران بشناسانند تا بدین وسیله ضمن پاسداری و سپاسداری از میراث مادری‌شان، در تقویت بنیان‌های بومی زبان‌شان - که امروزه از راه‌های گوناگون در معرض تضعیف و یا هجوم زبان‌های غالب‌اند - بکوشند.

این رویکرد و شناخت، نگارنده را بر آن داشت تا با نگرشی دیگر، داشته‌های زبانی زبان بلوچی - که از ویژگی‌های قابل ملاحظه‌ای از نظر توانش گسترش‌پذیری در راستای زبایی زبان بهره‌مند است - را پیش روی علاقه‌مندان به عناصر زبانی، و همچنین جامعه‌شناسان زبان بگشاید. هر چند به خوبی آگاه است که تحلیل عناصر زبانی و تأثیر و تبدل آنها در کنار سایر مشخصه‌ها در محدوده یک مقاله نمی‌گنجد؛ اما با این هدف که هر یک از این نوع پژوهش‌ها می‌تواند راهی باشد تا دیگران با

نظری به آنها به یک انسجام علمی زبانی دست یابند، به این نوشته مبادرت جسته است.

در این مقاله تلاش شده باتوجه به کثرت گسترش‌پذیری در زبان بلوچی، فقط پنج نمونه از توان‌ها و خلاقه‌های گسترش‌پذیری و زایشی زبان بلوچی، با مطالعه آثار مربوط و همچنین آثار علمی موازی و بحث و تبادل نظر با پژوهشگران و گویشوران، تدوین یابد. امید است مفید واقع گردد.

۱- صامت

۱-۱- صامتهای مشترک زبان بلوچی و فارسی

م - m	ع - a	ذ ز ض ظ - z	ج - j	ب - b
ن - n	غ ک - g	ر - r	چ - č	پ ف - p
و - w	ک ق - k	ژ - ž	ح خ ه - h	ت ط - t
ی - y	ل - L	ش - š	د - d	ث س ص - s

۱-۲- صامتهای ویژه زبان بلوچی

ط ر	ر	ط ت	ت	ط د	د
--------	---	--------	---	--------	---

۲- مصوت

۲-۱- مصوتهای مشترک زبان بلوچی و فارسی

آ - â	آ - a
ای - i	ا - e
او - u (ō)	أ - o

۲-۲- مصوت‌های ویژه زبان بلوچی

ay - ی	ey - ی	ye - ی	aw - و	ow - او	wo - و	we - و
--------	--------	--------	--------	---------	--------	--------

جستاری در توانش و زایایی زبان بلوچی

«ای. م. اُرانسکی» در مقدمه *فقه اللغه ایرانی*، زبانی بلوچی را از جمله زبان‌های «شمال‌غربی» می‌داند؛ که بیشترین سخنگویان آن در جنوب شرقی فلات ایران در ناحیه‌ای موسوم به بلوچستان زندگی می‌کنند.

این زبان غیر از بلوچستان در برخی دیگر از نقاط ایران چون کرمان، لارستان، سیستان، قائن، بیرجند، سبزواری، جوین، تربت حیدریه، کهنوج، جیرفت و ... گویش‌ورانی دارد، و علاوه بر آنها در بلوچستان، پاکستان و نواحی جنوبی افغانستان نیز رایج است. عده‌ای از بلوچ‌ها در «اتحاد جماهیر شوروی [سابق] در بخش ماری (روس‌ها نام شهر «مرو» را به «ماری» تغییر داده‌اند) ترکمنستان و شبه جزیره عربستان (مسقط) و عمان (ناحیه شارجه) هم دیده می‌شوند». (ارانسکی ۱۳۵۸ : ۳۳۳) همچنین جمعیت‌های کوچک‌تری از بلوچ‌ها به صورت پراکنده در هندوستان و به تازگی تعدادی در اروپا و آمریکا (محمود زهی ۱۳۷۷ : ۴) گذشته از آنچه که در بخش‌هایی از «تانزانیا و زنگبار افریقا» (شهبخش ۱۳۷۴ : ۳۸) وجود دارند نیز زندگی می‌کنند.

به خوبی روشن است این تنوع و گستردگی از جمله عواملی است که موجب شده تا زبان بلوچی در کنار سایر زبان‌های زنده دنیا جایگاهی داشته باشد و نگاه اندیشمندان زبان‌شناس و جامعه‌شناس ایرانی و غیرایرانی را به خود متوجه سازد. باور علمی این است که زبان و قوم بلوچ یکی از دیرینه‌های این سرزمین است که در روند تاریخ تأثیراتی داشته است، ولی برخلاف گذشت زمان بسیار طولانی و

همچنین پدید آمدن دگرگونی‌های انسانی و زیست‌شناختی، این زبان در نقاطی دوردست از بلوچستان ایران به طور قابل ملاحظه‌ای اصالت و کهنگی خود را حفظ کرده است، به گونه‌ای که به روشنی نمی‌توان نشانی از دگرگونی و برخوردهای زبانی آن طور که در مناطق دیگر بلوچستان دیده می‌شود، در آن یافت.

از آنجا که زبان «انسان را می‌سازد و بی‌گمان پیشرفت‌های انسان در گرو زبان است و بشر در قالب زبان می‌اندیشد و اندیشیدن خود نوعی سخن گفتن است» (وحیدیان کامیار و عمرانی ۱۳۷۹ : ۳)، زبان بلوچی چون دیگر زبان‌ها علاوه بر آن نگرش ایستایی و به اصطلاح «غیرفعال»، البته در مناطقی که یاد شد، در معرض کانون پدیده‌ها و روابط اجتماعی و انسانی قرار گرفت و از روی خصلت زبان از زبان‌های فارسی، عربی، انگلیسی و اردو تأثیر لازم را پذیرفت. نوشته‌های نویسندگان و گفته‌های گویندگان این زبان، این پذیرش و تغییر ساختار را آشکارا بیان می‌کند.

باید بپذیریم که واژگان یک زبان، نشانگر نیازهای مردمی است که به آن زبان گفت و گو می‌کنند؛ از این رو مفاهیم در ذهن گویندگان همه زبان‌ها یکسان و منطبق نخواهد بود، بلکه مفاهیم و حقایق ذهنی در هر زبانی مبتنی بر «تمدن، دین، محیط، آداب و رسوم و مانند این‌هاست و برای هر حقیقت ذهنی، لفظی نیز وضع می‌شود، و چون در زبان‌های مختلف این مبانی متفاوت‌اند، لذا حقایق ذهنی نیز متفاوت‌اند» (باقری ۱۳۷۹ : ۴۷). در آن صورت دگرگونی‌های واژگانی و گستره‌اش به تبع آن منحصر و خاص خواهد بود.

با این وجود، هر زبانی با هر جایگاه و شرایطی، ویژگی‌ها و خلاقه‌های زبانی مربوط به خود را خواهد داشت و هرگز از توان‌های زایشی و تولیدی خالی نیست؛ چون اساساً یکی از ویژگی‌های بسیار مهم و قابل درک زبان بشری همین مشخصه و امتیاز خلاقیت‌های بالقوه زبانی است.

توانش با زایایی زبان چه ارتباطی دارد؟

توانش در اصل یک اصطلاح گشتاری است، بدین معنا که «به دانش ناآگاه سخنگویان هر زبان درباره زبان‌شان، توانش زبانی می‌گویند». (مشکوة‌الدینی ۱۳۷۴: ۳۳) به زبان ساده‌تر یعنی این که وقتی کسی زبانی را یاد می‌گیرد، در واقع مجموعه محدودی قاعده می‌آموزد که به کمک آن می‌تواند جمله‌های آن را به وجود آورد و بفهمد. همیشه چنین است که واژگان هر زبان از تعداد محدودی واژه تشکیل می‌شود، که «این تعداد در زبان‌های مختلف متفاوت است و در بعضی زبان‌ها ممکن است به چندصدهزار برسد، ولی تعداد آنها در هر حال محدود است، اما ترکیباتی که از این واژه‌ها می‌توان ساخت محدودیتی ندارد». (باطنی ۱۳۷۵: ۱۲۷)

توان‌ها و بالقوه‌های یک زبان «آنقدر زیاد است که به شمارش در نمی‌آید و به سخن دیگر، به تعداد جملائی است که یک فرد در تمام طول زندگی خود به زبان می‌آورد و یا می‌تواند به زبان بیاورد». (باقری ۱۳۷۹: ۸۱) پیداست که این تعداد هرگز قابل شمارش نیست.

به هر حال گستره افق این پدیده انسانی و اجتماعی تا جایی است که پژوهشگرانی چون «فردینان دوسوسور» و به ویژه «نوام چامسکی» را بر آن داشته تا توجه زبان‌شناسان و روان‌شناسان را به اهمیت آن جلب کنند. با این وجود لازم است برای یافتن توان‌ها و جنبه‌های زایش زبان، ضمن آموزه‌های علمی، از دانش مردم‌شناسی نیز برخوردار بود تا بدین وسیله علاوه بر کشف حد و حیطه آنها، به موقعیت درست زبانی و همچنین قدرت تولیدی آنها نیز پی برد.

مختصری از دستور زبان بلوچی

زبان بلوچی مانند زبان فارسی وندی و ترکیبی است؛ ولی از نظر صامت‌ها و مصوت‌ها، همان‌گونه که در جدول نشانه‌های آوانگاری نشان داده شد، اختلافاتی دارد. وجود همین صامت‌ها و مصوت‌ها موجب ترکیب‌پذیری بیشتر و در نتیجه توانایی زایشی آن شده است.

از نقطه نظر ساخت، ترکیب مضاف و مضاف‌الیه و موصوف و صفت در زبان بلوچی جز در گویش‌های معدود، عکس زبان فارسی و شبیه گرامر زبان انگلیسی و اردو است. «ماضی مطلق و استمراری آن به یک شکل و مضارع مطلق در معنی مضارع اخباری و مستقبل است». (دامنی ۱۳۷۷: ۵۹)

نشانه مفعولی در زبان بلوچی «a»، «â» و «ē» است، که این سه علامت معادل «را» در زبان فارسی است. نشانه جمع، «ان» است و به ندرت از نشانه «ها» استفاده می‌شود. «ag» نشانه مصدری و اسم جمع، و «e - ای» و «â - آ»، صفت‌های اشاره به نزدیک و دور و «آبی»، «âē» و «اشی»، «eši»، ضمیرها هستند.

گونه‌هایی از خلاقه‌های زبان بلوچی

ساخت‌های گسترش‌پذیر همگون از جنس اسم و مصدر برای ساختن

مصدر*

- بند بندگ / Bad banag / دیوار چیدن، ریسمان بستن
- پاد پادآیگ / Pâd pâdayag / پا ورم کردن
- پرک پرینگ / Perrek perrenag / سنجاقک پرواز دادن

* ترجمه‌ها، ترجمه‌های لفظ به لفظ است.

- پُلّ پلگ / Poll pollag / گل شکفتن
- پُچّ پچینگ / Počč pečinag / لباس کهنه شدن، لباس کهنه کردن

ساخت‌های گسترش‌پذیر غیرهمگون از جنس مصدر

- کن ء ور / Kan-o war / پختن / خوردن / آشپزی کردن
- گوش ء کند / Gwaš-o kand / گفتن / خندیدن / نشاط و شادمانی کردن
- جن ء چوپ / Jan-o čwp / زدن / کوبیدن / زد و خورد کردن
- گند ء نند / Gend-o nend / دیدن / نشستن / خواستگاری کردن / انجمن خواستگاری برپا کردن
- کر ء کش / Ger-o kas / گرفتن / کشیدن / درگیر شدن

ساخت‌های گسترش‌پذیر غیرهمگون از جنس اسم و مصدر برای ساختن

مصدر

- آپ دیگ / Âp dayag / آب دادن، پذیرایی کردن
- دکّ گرگ / Dakk gerag / بهانه‌تراشی کردن
- باگ پاد آدیگ / Bâg pâdâyag / باغ شکوفا و سرسبز شدن
- تَنّ پرشگ / Tonn poršag / تشنگی برطرف شدن
- نان ورگ / Nân warag / نان خوردن

ساخت‌های گسترش‌پذیر جزء دوم همگون از جنس اسم و مصدر برای

ساختن مصدر

- گوات دیگ / Gwât dayag / باد دادن

- بال دیگ / Bâl dayag / پرواز دادن
- گوش دیگ / Gwoš dayag / استراق سمع کردن
- جنگ دیگ / Jang dayag / مبارزه کردن
- آس دیگ / Âs dayag / آتش دادن، آتش زدن

ساخت‌های گسترش‌پذیر همگون از جنس مصدر

- پیچ‌پاگ / Pač-o pâg / پختن / پخت و پز
- دید‌گند / Did-o gend / دیدن / ملاقات
- روپت‌روپ / Ropt-o Rwap / جارو کردن / تصاحب کردن و تمیز کردن
- چوپت‌چوپ / Čopt-o čwap / زدن / زدن و کوبیدن
- پروشت‌پروش / Prošt-o porwaš / شکستن / نابود کردن / شکستن و له کردن

ساخت‌های گسترش‌پذیر همگون از جنس صوت

- ژلینگ ژلینگ / žaling žaling / صدای زیورآلات
- تلینگ تلینگ / teling teling / صدای به هم خوردن استکان‌های شیشه‌ای
صدای نازک گریه نوزاد یا کودک
- ژهپ ژهپ / žahapp žahapp / صدای وزش باد، صدای سیل و توفان
- کلش کلش / Kaleš Kaleš / صدای کفش و دمپایی هنگام راه رفتن
- پینگ پینگ / Peng Peng / صدای بزغاله‌ها

ساخت‌های گسترش‌پذیر غیرهمگون از جنس صوت

- کپَرَّءُ کپَرَّ / Kaparr-o kaperr / صدای به هم خوردن بال‌های پرندگان
- ترهپَّءُ تروپ / Trahp-o trop / صدای برخاستن و افتادن کسی، صدای زد و خورد
- ولنگَّءُ ولینگ / Walang-o waling / صدای گریه و همهمهٔ بچه‌ها
- گبیرَّءُ گبارَّ / Gabirr-o gabârr / صدای گریه و زاری افراد در هنگام حادثه
- بوستَّءُ باست / Bust-o bâst / صدای زد و خورد، صدای افتادن چیزی

سنگین

ساخت‌های گسترش‌پذیر غیرهمگون از جنس اسم و فعل برای ساختن

قید زمان

- بانکلینک‌وار / Bânkalenk wâr / فصل باقلا خوردن
- تاک چنَد / Tâk čand / فصل برگ‌ریزان
- برنج رون / Berenj rôn / فصل درو کردن برنج
- بزچین / Boz čên / فصل چیدن موی بزها
- جوهان موش / Jowhân mōš / فصل کوبیدن خرمن

ساخت‌های گسترش‌پذیر غیرهمگون از جنس اسم و فعل برای ساختن

قید مکان

- تیر کش / Tir kašš / کمینگاه، محل تیر انداختن
- بانز نند / Bâz nend / محل نشستن مرغ شکاری شاهین
- آسک چر / Âsk čar / محل چریدن آهو

- ڈیہ جن / Dih can / محل زدن دیو
- شپان گند / Šopân gend / محل دیدن شبان

ساخت‌های گسترش‌پذیر همگون برای ساختن قید حالت

- هیّا هیّا / Hayya Hayya / با شتاب و عجله
- ٹک ٹک / Tekk Tekk / آرام آرام، با حوصله رفتن
- ده ده / Deh deh / باعجله، شتابان
- زیت زیت / Zit zit / زود زود
- لہم لہم / Lahm lahm / یواش یواش

ساخت‌های گسترش‌پذیر غیرهمگون در معنای قیدی

- زیگین روچ / Zigen rowč / دیروز / روز
- مرچین جاگه / Marčen jâgah / امروز / جا، مکان / جا و مکان امروز
- پرمپوشی شپ / Prampowši šap / پس‌تر فردا / شب / شب چهارم، پس‌تر از فردا شب
- دوشی گدر / Dowši godar / دیشب / محل عبور / محل عبور دیشب
- انشپی گدار / Enšapi godar / امشب / به بعد / از امشب به بعد

ساخت‌های گسترش‌پذیر غیرهمگون از جنس دو اسم برای ساختن

ترکیب اضافی

- چم ء روک / Čamm-e rowk / نور چشم
- مردم ء ساه / Mardon-e sâh / روح انسان

- دل ٔ بند / Del-e band / بند دل
- دپ ٔ ت ام / Dap-e tâm / طعم دهن
- مچ ٔ هوش / mačč-e howš / خوشه درخت خرما

ساخت‌های گسترش‌پذیر غیرهمگون از جنس دو اسم برای ساختن ابزار

- استرگ سنگ / Estrag seng / وسیله‌ی تیز کردن کارت
- دست کڑی / Dast kaři / دستبند
- دندنتان برش / Tantân boroš / مسواک
- بت برش / Bot boroš / برس نقاشی
- بت کلم / Bot kalam / قلم نقاشی

ساخت‌های گسترش‌پذیر غیرهمگون از جنس اسم (جزء اول معنادار و

جزء دوم بی معنا)

- نگن ٔ مگن / Nagan-o magan / نان / o
- کپ ٔ مپ / Gapp-o map / سخن / o
- کدیم ٔ مدیم / Kadim-o modem / آب و علوفه / o
- ڈوک ٔ موک / Dowk-o mowk / سنگ و کلوخ / o
- جر ٔ مر / Jarr-o marr / خس و خاشاک / o

ساخت‌های گسترش‌پذیر غیرهمگون از جنس اسم

- لزگ ٔ لیتار / Lezg-o litâr / آب دهان / آب لزج
- سُهَل ٔ تران / Sohl-o terân / صلح، آشتی / انجمن، مجلس

- سٹ ء مٹ / Satt-o mott / سود / عوض
- سوٹ ء بوٹ / Sott-o bott / لباس / کفش
- شک ء مید / Šakk-o mid / شانہ / مو

ساخت‌های گسترش‌پذیر غیرهمگون از جنس صفت

- کستر ء مستر / Kaster-o master / کوچک تر / بزرگ تر
- شر ء گنده / Šarr-o gindah / خوب / بد
- جهل ء بلند / Jhal-o balând / پست / بلند
- برز ء پٹک / Borz-o patakk / بلند / کوتاه
- پولنگ ء پلگار / Puleng-o palgar / کثیف و کهنه / تمیز و مرتب

ساخت‌های گسترش‌پذیر (جزء اول همگون از جنس صفت و اسم برای

ساختن ترکیب وصفی)

- اول بیئر / Awal bir / اولین تلافی
- اول جاک / Awal jâk / اولین فریاد
- اول تران / Awal trân / اولین سخن
- اول سانگ / Awal sang / اولین وصلت
- اول لیب / Awal lēb / اولین بازی

ساخت‌های گسترش‌پذیر غیرهمگون از جنس اسم و بن فعل برای

ساختن صفت فاعلی مرکب مرخم

- نغن وار / Nagan wâr / نان خور

- جامگ در / Jâmag derr / لباس پاره‌کن
- نان کٹ / Nân katt / نان‌آور
- دل کد / Del kod / دل‌آزار
- گم توس / Gam tōs / غم‌کش

ساخت‌های گسترش‌پذیر همگون از جنس صفت

- گر گر / Garr garr / زیر و خشن
- چُنْد چُنْد / Conḍ conḍ / قطعه‌قطعه
- شلیمگ شلیمگ / Šalimag Šalimag / شل شل
- ٹکر ٹکر / Tokkor tokkor / تکه تکه، بریده بریده
- کُنْد کُنْد / Kand kand / برجسته برجسته، بریده بریده

ساخت‌های گسترش‌پذیر (جزء اول همگون از جنس صفت و فعل برای

ساختن صفت مفعولی)

- ایرت گواپ / Irt gowâp / ریز بافته شده
- ایرت چار / Irt čar / ریز دیده شده
- ایرت بند / Irt band / ریز بسته شده
- ایرت ریچ / Irt rič / ریز ریخته شده
- ایرت پرنچ / Irt prenč / ریز فشرده شده

ساخت‌های گسترش‌پذیر همگون از جنس اسم برای ساختن صفت

- دل ء دل / Del-e del / دل‌آرام

- سر ۛ سر / Sar-e sar / سرور، آقا
 - جان ۛ جان / Jân-e jân / جانان
 - علم ۛ علم / ?elm-e ?elm / دانشمند
 - پهم ۛ پهم / Pahm-e pahm / هوشیار، فهمیده
- شایان ذکر است که این گونه ساخت‌های گسترش‌پذیر حتی در اسامی افراد بلوچ به فراوانی یافت می‌شود، اکنون برای آگاهی به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

ساخت‌های گسترش‌پذیر (جزء اول همگون از اسم «گل» برای اسامی

زنان)

- گل بی بی / Gol bibi
- گل ملک / Gol malek
- گل خاتون / Gol xâtôn
- گل بانو / Gol bânō
- گل پری / Gol pari

ساخت‌های گسترش‌پذیر (جزء دوم همگون از اسم «گل» برای اسامی

زنان)

- بی بی گل / Bibi gol
- ناز گل / Naz gol
- جان گل / Jân gol
- مه گل / Mah gol
- شه گل / Šah gol

ساخت‌های گسترش‌پذیر (جزء دوم همگون از اسم «محمد» برای اسامی مردان)

- Malek Mohammad / ملک محمد
- Yâr mohammad / یار محمد
- Gol mohammad / گل محمد
- Šēr mohammad / شیر محمد
- Šey mohammad / شی محمد

ساخت‌های گسترش‌پذیر (جزء اول همگون از اسم «محمد» برای اسامی مردان)

- Mohammad amin / محمد امین
- Mohammad akbar / محمد اکبر
- Mohammad mehrân / محمد مهران
- Mohammad naim / محمد نعیم
- Mohammad nazir / محمد نظیر

نتیجه‌گیری

از این نوشتار می‌توان نتیجه گرفت که زبان بلوچی، که یکی از زبان‌های ایرانی است، به دلیل ساخت وندی و ترکیبی مانند زبان فارسی از خلاقه‌ها و توان‌های زایشی قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. این غنا و توسعه واژگانی چند علت دارد:

۱. پایداری و مقاومت برای حفظ و ماندگاری بنیان‌های هویتی و بومی این زبان در بسیاری از مناطق حاشیة بلوچستان و اصرار بیش از پیش برای استفاده از توان‌های درون‌زبانی.
۲. ایجاد انعطاف و تأثیرپذیری، علاوه بر جنبه احتیاط‌آمیز زبانی.
۳. تأثیر رسانه‌های جمعی درون‌منطقه‌ای و برون‌منطقه‌ای و همچنین مراکز آموزشی در تولید ساخت‌های جدید زبانی متناسب با نیازهای اجتماعی و انسانی روز.
۴. تفاوت‌های گفتاری و معنایی بسیار گسترده بین نسل امروز، میانه و گذشته بلوچستان.
۵. ارتباطات نسبتاً وسیع گویشوران این زبان با مردم کشورهای پاکستان، افغانستان، هندوستان، حواشی خلیج فارس و بعضی از کشورهای آفریقایی و اروپایی و شهرهای ایران، و ایجاد تداخل‌های زبانی.
۶. اثبات خاستگاه و طبیعت زبانی چون دیگر زبان‌های زنده دنیا.

کتابنامه

- ای. ام. ارانسکی. ۱۳۵۸. *مقدمه فقه اللغة ایرانی*. چ ۱. ترجمه کریم کشاورز. تهران: پیام.
- باطنی، محمدرضا. ۱۳۷۵. *نگاهی تازه به دستور زبان فارسی*. چ ۷. تهران: آگاه.
- باقری، مه‌ری. ۱۳۷۹. *مقدمات زبان‌شناسی*. چ ۷. تهران: دانشگاه پیام نور.
- دامنی، سعید. ۱۳۷۷. *زبان قوم بلوچ، گویش ایرانشهر* (رساله دوره کارشناسی ارشد). بیرجند: دانشگاه آزاد اسلامی.
- شهبخش، عظیم. ۱۳۷۴. *بررسی حماسه‌سرایی در زبان بلوچی* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). شیراز: دانشگاه شیراز.
- صفوی، کورش. ۱۳۷۶. *نگاهی به پیشینه زبان فارسی*. چ ۱. تهران: مرکز.

محمود زهی، موسی. ۱۳۷۷. مقایسه زبان بلوچی با زبان‌های ایرانی باستانی (رساله دوره دکتری). تهران: واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.
مشکوة‌الدینی، مهدی. ۱۳۷۴. دستور زبان فارسی بر پایه گشتاری. چ ۴. مشهد: دانشگاه فردوسی.
وحیدیان کامیار، تقی؛ عمرانی، غلامرضا. ۱۳۷۹. دستور زبان فارسی. چ ۱. تهران: سمت.

منابع بلوچی

آسکانی، عابد. ۲۰۰۰. چشی شوم ء شانزده. بهارگاه چاپ سنگ.
دشتیاری، صبا. ۲۰۰۴. ساچاء سہاتو. سیدہاشمی ریفرنس کتابجاء.
دیناری، عبدالقادر. ۲۰۰۵. گارین داستان. پاکستان.
شاهوانی، اثیر عبدالقادر. ۲۰۰۰. ایک جائزہ. کویتہ: بلوچی اکیڈمی.
طائر، تاج محمد. ۲۰۰۰. واہگ ء مرگ. کراچی: سیدہاشمی ریفرنس کتابجاء.
گوداری، عبدالمجید. ۲۰۰۴. سوسنین گیوار. پاکستان.

پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی